

(فصل سی و دوم)

استفاده از آنچه خدا به شما داد

"هر یک از ما عضوی از بدن او هستیم و برای تکمیل آن لازم می‌باشیم و مسئولیت و وظیفه‌ای مشخص در آن داریم. اما در کل، همه متعلق به یکدیگریم و به هم نیاز داریم." (رومیان ۱۲:۵)

"آنچه شما هستید، هدیه خدا به شما است؛ و آن استفاده‌ای که از خود می‌کنید، هدیه شما به خدا است." گفته دانمارکی

خدا شایسته است که بهترین تلاش خود را برای او بکنید. او شما را برای هدفی ساخته، و او از شما انتظار دارد که از آنچه به شما داده شده بهترین استفاده را بکنید. او از شما این توقع را ندارد که در باره استعدادهایی که ندارید غصه بخورید یا طمع بورزید. بلکه بجای آن او انتظار دارد تا بر استعدادهایی که به شما داده تا از آن استفاده کنید، تمرکز کنید.

وقتی سعی می‌کنید تا به طریقی که شکل داده نشده اید خدا را خدمت کنید، احساسی شبیه این خواهید داشت که میخ چهارگوشی را بخواهید به زور در یک سوراخ گرد فرو کنید. این کار ناامیدکننده است و نتایج محدودی را به همراه دارد. این کار وقت شما، استعدادتان و انرژی‌تان را نیز به هدر می‌دهد. بهترین بهره‌برداری از زندگی‌تان زمانی است که خدا را به همان شکلی که ساخته شده اید، خدمت کنید. برای نیل به این هدف می‌بایست فرم خود را کشف کرده، بپذیرید و از آن لذت ببرید، و پس از آن تا به نهایت پتانسیلی که دارد گسترش دهید.

فرم یا شکل خود را کشف کنید

کتاب مقدس می‌فرماید: "بیون تأمل دست به کاری نزنید، بلکه سعی کنید خواست و اراده خدا را دریابید و مطابق آن زندگی کنید." (افسیسیان ۱۷:۵) یک روز هم تلف نکنید. از همین لحظه سعی کنید آنچه را خدا برای شما در نظر گرفته که باشید و بکنید را کشف کنید و مشخص کنید.

با ارزیابی عطایا و استعدادهایتان شروع کنید. توجه طولانی و صادقانه به آنچه که در آن خوب هستید و آنچه در آن خوب نیستید، بکنید. پولس نصیحت کرد: "در باره خود درست قضاوت کنید." (رومیان ۱۲:۳) فهرستی تهیه کنید. نظر منصفانه مردم را جویا شوید. به آنها بگویید که به دنبال حقیقت هستید و نه طالب تعریف و تمجید. عطایای روحانی و استعدادهای طبیعی همیشه می‌باید توسط دیگران تأیید شوند. اگر شما فکر می‌کنید که معلم یا خواننده با استعدادی هستید و هیچ کس موافق آن نیست، حدس شما چه خواهد بود؟ اگر می‌خواهید بدانید که آیا عطای رهبری دارید، به پشت سرتان نظری بیافکنید! اگر کسی از شما پیروی نمی‌کند، شما یک رهبر نیستید.

سوالاتی از این قبیل از خود بکنید: در چه زمینه‌ای در زندگیم ثمره‌ای دیده‌ام که مردم دیگر آن را تصدیق کرده‌اند؟ کجا بیشتر موفق بوده‌ام؟ آزمایشهای مختلف عطایای روحانی و فهرست استعدادها می‌توانند بالارزش باشند، ولی در مفید بودن محدود هستند. در وهله اول، آنها با معیار معینی سنجیده و طبقه‌بندی شده‌اند، به این علت آنها بی‌نظیری و بی‌همتایی شما را به حساب نمی‌آورند. در وهله دوم، هیچ تعریفی از عطایای روحانی در کتاب مقدس نشده است، پس هر تعریفی، دل‌خواهی انجام پذیرفته و معمولاً "نماینده تمایلات فرقه‌ای است. مشکل دیگر این است که، هر قدر بیشتر رشد می‌کنید، احتمال بیشتری برای ظهور خصوصیات تعداد زیادی از عطایا می‌رود. ممکن است علت اینکه در حال خدمت یا تعلیم یا سخاوتمندی هستید، این باشد که رشد کرده‌اید تا اینکه عطای روحانی شما باشد.

بهترین راه کشف عطایا و استعدادهایتان این است که در موقعیتهای مختلف خدمتی آن را مورد آزمایش قرار دهید. در زمان جوانی صدها آزمایش عطایا و استعدادها را انجام دادم، ولی تا زمانی که به کار تعلیم نپرداختم، متوجه نشدم که این عطا را دارم! درست وقتی شروع به پذیرفتن فرصتهایی برای صحبت کردن نمودم، نتایج آن را دیدم، دیگران مرا تأیید کردند، و فهمیدم "خدا مرا برای انجام این کار مستعد ساخته است!"

خیلی از کتابها مراحل کشف استعدادها و عطایا را برعکس پیشنهاد می‌کنند. آنها می‌گویند: "عطای روحانی خود را کشف کن، و بعد خواهی فهمید که چه خدمتی باید داشته باشی." حقیقت امر این است که مسئله درست برعکس آن است. فقط شروع به خدمت کردن بکنید و خدمات مختلف را آزمایش کنید و آنگاه خواهید دانست که عطای شما چیست. تا زمانی که وارد خدمت نشده‌اید، قادر نخواهید بود که بدانید در چه چیزی مهارت دارید.

شما دهها استعداد و عطای پنهان دارید و از آنها آگاه نیستید، چون آنها را تجربه نکرده‌اید. پس شما را تشویق می‌کنم که آنچه را تابحال انجام نداده‌اید شروع به انجام آن بکنید. مهم نیست که چند سال دارید. از شما خواهش می‌کنم که هرگز از آزمایش کردن دست بر ندارید. من افراد زیادی را ملاقات کرده‌ام که در سنین هفتاد و هشتاد سالگی استعدادهای مخفی‌شان را کشف کرده‌اند. من زن نود ساله‌ای می‌شناسم که در مسابقات ده کیلومتری دو شرکت می‌کند و می‌برد و تا هفتاد و هشت سالگی از لذتی که از دویدن می‌برد، آگاه نبود!

تا زمانی که داوطلب خدمت در جایی نشده اید، شروع به کشف عطای خود نکنید. فوراً شروع به خدمت کنید. با انجام دادن خدمات مختلف، عطایای خود را در می یابید. سعی کنید تعلیم دهید یا رهبری کنید یا سازماندهی کنید یا وسیله موسیقی ای را بنوازید و یا با نوجوانان کار کنید. شما نمی توانید بدانید که در چه چیزی مهارت دارید تا زمانی که آن را تجربه نکرده اید. وقتی در آن کار موفق نشدید، آن را یک "آزمایش" بنامید و نه یک شکست. بالاخره خواهید فهمید که در چه چیزی خوب هستید.

به قلب و شخصیت خود ملاحظه کن. پولس نصیحت کرد: "هر کس وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد؛ آنگاه از کار خود رضایت حاصل خواهد کرد و دیگر نیازی نخواهد داشت که خود را با دیگران مقایسه کند." (غلاطیان ۴:۶) یک بار دیگر تکرار می کنم، خیلی مهم است که نظر آنانیکه شما را خوب می شناسند، جویا شوید. از خود این سوالها را بکنید: از چه کاری بیشتر لذت می برم؟ چه موقع خود را سرزنده و بشاش احساس می کنم؟ وقتی حساب وقت از دستم در می رود، چه می کنم؟ آیا جریان عادی را دوست دارم یا تنوع را؟ آیا دوست دارم در یک گروه کار کنم یا به تنهایی؟ آیا بیشتر درون گرا هستم یا برون گرا؟ آیا بیشتر شخصی متفکر هستم یا احساس کننده؟ چه چیزی را بیشتر دوست دارم- رقابت یا همکاری؟

تجربیات خود را بیازمانید و درسهای که از آنها آموخته اید را استخراج کنید. زندگی خود را دوره کنید و در مورد اینکه چگونه زندگیتان به شما شکل داده، فکر کنید. موسی به اسرائیلیان گفت: "به خاطر آورید چگونه خداوند شما را در بیابان چهل سال تمام هدایت کرد." (تثنیه ۲:۸) تجربیات فراموش شده، بی ارزش هستند و این دلیل خوبی است که دفتر وقایع روحانی داشته باشید. پولس در مورد ایمانداران غلطیه نگران بود که شاید آنها دردی را که از آن عبور کرده بودند به هدر بدهند. او گفت: "آیا همه آن چیزها بیهوده بر شما گذشته است؟ مگر آنکه برآستی بیهوده بوده باشد!" (غلاطیان ۴:۳)

بندرت اتفاق می افتد که ما هدف نیکوی خدا را در دردها و شکستها یا خجالتیهایی که می کشیم، ببینیم. وقتی مسیح پاهای پطرس را می شست، گفت: "اکنون از درک آنچه می کنم ناتوانی، اما بعد خواهی فهمید." (یوحنا ۱۳:۷) فقط پس از آنکه چیزی اتفاق افتاد متوجه می شویم که خدا از آن مشکل، قصد نیک داشت.

استخراج درسها از تجربیاتتان وقت می برد. من پیشنهاد می کنم که یک آخر هفته کامل را برای کنار کشیدن از همه کار برای مرور زندگیتان انتخاب کنید، جایی که توقف می کنید تا ببینید خدا چطور در لحظات معینی از زندگیتان کار کرده و ملاحظه کنید که او چگونه از شما می خواهد تا آن درسها را برای کمک به دیگران استفاده کنید. منابعی وجود دارند که می توانند شما را در انجام این امر مهم کمک کنند. برای این مسئله می توانید با وب سایت زیر تماس حاصل کنید:

www.purposedrivenlife.com

شکل یا فرم خود را بپذیرید و از آن لذت ببرید

با توجه به اینکه خدا می داند که بهترینها برای شما چیست، می بایست با قدردانی پذیرای شکلی که او شما را در آورده، باشید. کتاب مقدس می فرماید: "اما ای انسان، تو کیستی که با خدا مجادله کنی؟ آیا مصنوع به صانع خود بگوید چرا مرا چنین ساختی؟ آیا کوزه گر اختیار ندارد که از توده گلی واحد، ظرفی برای مصارف مهم و ظرفی دیگر برای مصارف معمولی بسازد؟" (رومان ۹: ۲۰-۲۱)

فرم و شکل شما بطرز استادانه ای توسط خدا برای اهداف خودش تعیین و مشخص شده، پس شما نباید از آن منزجر باشید یا آن را رد کنید. بجای آنکه سعی کنید خود را به شکل کس دیگری در آورید، می بایست از آن شکل و فرمی که خدا فقط به شما بخشیده، شاد باشید. "مسیح طبق صلاحیت خود، از دولت کرم خویش به هر یک از ما فیض خاصی بخشیده است." (افسیان ۴: ۷)

بخشی از پذیرفتن شکل و فرمتان در قبول محدودیتها می باشد. هیچکس در همه چیز نمی تواند مهارت داشته باشد و هیچکس خواننده نشده که همه چیز باشد. هر یک از ما نقش و وظیفه معینی داریم. پولس فهمید که دعوت و خواندگی او انجام هر کاری یا خشنود ساختن همه نبود بلکه می بایست فقط بر خدمت مخصوصی که خدا او را برای آن ساخته بود متمرکز باشد. (غلاطیان ۲: ۷-۸) او گفت: "در حدودی فخر می کنیم که خدا برایمان معین کرده است." (۲ تیموتای ۱: ۱۲)

کلمه **حدود** به این واقعیت اشاره می کند که خدا برای هر یک از ما زمینه و محیط خدمتی خاصی را تعیین کرده است. فرم و شکل شما تخصص شما را تعیین می کند. هر گاه سعی می کنیم که خدمت خود را خیلی فراتر از آنچه خدا ما را برای آن شکل داده توسعه دهیم، فشار عصبی زیادی را تجربه می کنیم. همانگونه که به هر دونده ای در مسابقه خط متفاوتی داده شده تا بدود، ما نیز فردا فردا می بایست "با صبر و شکیبایی در این میدان بسوی هدف برویم." (عبرانیان ۱۲: ۱) به دونده خط کناری خود حسادت موز، بلکه فقط متمرکز تمام کردن دور خود باشید.

خدا می خواهد شما با استفاده از آن فرم و شکلی که او به شما داده، لذت ببرید. کتاب مقدس می فرماید: "هر کس وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد؛ آنگاه از کار خود رضایت حاصل خواهد کرد و دیگر نیازی نخواهد داشت که خود را با دیگران مقایسه کند." (غلاطیان ۴: ۶) شیطان به طرق مختلف سعی خواهد کرد که رضایت و لذت شما را از خدمتی که

می کنید بدزد: با وسوسه کردن شما برای مقایسه کردن خدمت خود با دیگران، و با وسوسه کردن شما برای **تطبیق دادن** خدمتتان با انتظارات و توقعات دیگران. هر دو اینها دامهای مرگباری هستند که شما را از روشهایی که خدا برای شما در نظر دارد تا خدمت کنید، پریشان و گیج خواهد کرد. هر گاه شادی خود در خدمت را از دست می دهید، شروع کنید به نگاه کردن به یکی از این وسوسه ها که آیا آنها علت اصلی هستند یا خیر؟

کتاب مقدس به ما هشدار می دهد که هرگز خود را با دیگران مقایسه نکنیم: "هر کس باید اعمال خود را بیازماید. در آن صورت فخر او به خودش خواهد بود، بی آنکه خود را با دیگران مقایسه کند." (غلاطیان ۶: ۴) دو دلیل برای اینکه چرا نباید هرگز فرم یا شکل، خدمت، یا نتایج خدمت خود را با دیگران مقایسه کنید، وجود دارند. اولاً، شما همیشه کسی را پیدا خواهید کرد که به نظر کارش را بهتر از شما انجام می دهد و این باعث دلسردی شما خواهد شد. و یا همیشه افرادی را پیدا خواهید کرد که به اندازه شما مؤثر خدمت نمی کنند و این امر شما را پر از غرور خواهد کرد. هر دوی این خصوصیات شما را از خدمت خارج خواهند کرد و خوشی شما را خواهند دزدید.

پولس گفت که این کار احمقانه ای است که خود را با دیگران مقایسه کنیم. او گفت: "ما جرأت نمی کنیم که خود را از زمره کسانی بشماریم یا با کسانی قیاس کنیم که خودستایند. چه نابخردانه است که آنان در باره خویشتن با میزانهای خویشان قضاوت می کنند و خود را با خود می سنجند." (دوم قرنتیان ۱۰: ۱۲)

شما با افرادی روبرو خواهید شد که شکل و خدمت شما را درک نمی کنند و از شما انتقاد خواهند کرد و سعی خواهند کرد شما را مجبور کنند که خود را با آنچه آنها فکر می کنند باید انجام دهید، تطبیق کنید. از آنها چشم پوشی کنید و آنها را نادیده بیندازید. پولس نیز اغلب می بایست با منتقدینی که خدمت او را درک نمی کردند و می خواستند بدنام کنند، برخورد کند. برخورد او همیشه به یک نوع بود: از مقایسه دوری جوید، با گرافه گوئی مقابله کنید، و فقط به دنبال تعریف و تمجید خدا از کارش باشید (اول قرنتیان ۱۰: ۱۲-۱۸).

یکی از علت هایی که پولس بطرز عالی توسط خدا بکار رفت، این بود که پریشانی بخاطر انتقاد یا مقایسه خدمتش با دیگران یا کشیده شدن به مباحثات بی ثمر در باره خدمتش را رد می کرد. همانگونه که جان بنیان گفته: "اگر زندگی من بی ثمر است، مسئله ای نیست که چه کسی از من تعریف می کند، و اگر زندگی من پرثمر است، مسئله ای نیست که چه کسی از من عیب جویی می کند."

در رشد دادن شکل و فرم خود ادامه دهید

مثل عیسی مسیح در باره قنطارها نشان می دهد که خدا از ما انتظار دارد که از آنچه او به ما داده بیشترین استفاده را بکنیم. ما می باید استعدادها و عطایایمان را گسترش دهیم، قلبهایمان را مشغول نگاهداریم، شخصیت خود را رشد دهیم، و تجربیات خود را وسیعتر سازیم تا بیش از پیش در خدمت خود مؤثر واقع شویم. پولس به فیلیپیان گفت که: "دعا می کنم که محبتتان نسبت به دیگران روز بروز فزونی یابد و دانش و بینش روحانی تان نیز به حد کمال برسد." (فیلیپیان ۱: ۹) و او به یاد تیموتاؤس آورد که: "عطای خدا را که به واسطه دست گذاشتن من، در تو جای گرفته، شعله ور سازی." (دوم تیموتاؤس ۶: ۱)

اگر ماهیچه های خود را ورزیده نسازید، ضعیف و لاغر خواهند شد. به همین ترتیب، اگر استعدادها و قابلیت هایی که خدا به شما داده بکار نبرید، آنها را از دست خواهید داد. عیسی مسیح مثل قنطارها را برای تصدیق همین حقیقت بیان کرد. ارباب با اشاره به غلامی که در استفاده از یک قنطارش قاصر آمده بود، فرمود: "آن قنطار را از او بگیر و به آن که ده قنطار دارد بدهید." (متی ۲۵: ۲۸) اگر در استفاده از آنچه به شما داده شده کوتاه بیایید، آن را از دست خواهید داد. قابلیت و توانایی ای را که دریافت کرده اید بکار برید و خدا آن را افزایش خواهد داد. پولس به تیموتاؤس گفت: "از این عطایا به بهترین نحو استفاده کن، و آنها را در خدمت خدا بکار ببر." (اول تیموتاؤس ۴: ۱۴-۱۵)

هر نوع عطایی که به شما بخشیده شده، می توانید در عمل آن را رشد داده و توسعه ببخشید. برای مثال: هیچکس عطای تعلیم را به حد کمال بدست نمی آورد. اما با مطالعه، توجه به نظر دیگران و تمرین، یک معلم "خوب" می تواند تبدیل به معلم "بهتری" بشود و با مرور زمان به سوی استادی ماهر رشد کند. از عطایی که رشد نصفه کاره داشته راضی نباشید. خود را توسعه دهید و آنچه که می توانید، بیاموزید. "در راه خدمت به خدا سخت بکوش تا او از تو راضی شود و هنگامی که خدمتت را ارزیابی می کند، شرمنده نشوی." (دوم تیموتاؤس ۲: ۱۵) از هر فرصت تعلیمی و تربیتی استفاده کنید تا شکل و فرم خود را توسعه دهید و به مهارت خدمتی خود شدت ببخشید.

ما خدا را در آسمان تا ابد خدمت خواهیم کرد. هم اکنون، با تمرین کردن بر زمین می توانیم خود را برای آن خدمت ابدی آماده کنیم. مانند قهرمانانی که خود را برای المپیک آماده می کنند، ما برای آن روز بزرگ تمرین می کنیم و ورزیده می شویم: "او برای بدست آوردن جایزه ای فانی، چنین زحماتی را متحمل می شود، ولی ما برای پاداش آسمانی کوشش می کنیم، که هرگز از بین نخواهد رفت." (اول قرنتیان ۹: ۲۵) ما برای مسئولیتها و پادشاهای ابدی خود را آماده می کنیم.

نکته مورد توجه: خدا شایسته بهترین تلاش من است.

آیه حفظی: "سخت بکوش که مقبول خدا باشی، همچون خدمتکاری که او را سببی برای شرمساری نیست و کلام حقیقت را به درستی به کار می بندد." (دوم تیموتاؤس ۲: ۱۵)

سوالی که باید از خود بکنید: چگونه می توانم از آنچه خدا به من بخشیده، بهترین استفاده را بکنم؟